



وقتی اسلام بر همه ادیان تفوق می یابد / سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن

تعلمق ما در روایات ما را به این نتیجه خواهد رساند که یک مقطعی فراخواهد رسید که شخصیت عالی مقامی مانند حضرت ولی عصر این دین را جهانی خواهد کرد.

تعلمق ما در روایات ما را به این نتیجه خواهد رساند که شخصیت عالی مقامی مانند حضرت ولی عصر این دین را جهانی خواهد کرد. به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه اول از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

اگر از ما سوال کنند که در این مقطع زمانی چرا از امام زمان بحث می کنیم، این سوال را می توان از سه جهت پاسخ داد.

مهمترین منابع دینی ما قرآن و روایات است پس بخشی از پاسخگویی ما از منبع قرآنی است و بخشی از منظر روایی و بخشی از پاسخ ما مربوط به این است که شاخصه هویت ما بحث امامت است و ما هم اگر شیعه هستیم باید در مورد امامت بحث داشته باشیم.

قرآن، شریکترین موجودات زنده را اینگونه معرفی می کند و می فرماید شریکترین و شریکترین موجود زنده کسانی هستند که خردورزی ندارند و اهل تعقل ندارند. در سوره انفال آیه ۲۲ آمده است که بدترین جنینده نزد خدا بی تردید قرآن و لال هایی هستند که اندیشه و فکر را به کار نمی برند. منظور کسانی که توانایی شنوایی و کلام ندارند نیست، از نظر منطق قرآن حتی اگر انسان بتواند بشنود و حرف بزند ولی قوه عقل را به کار نگیرد از نظر قرآن این افراد کر و لال هستند. آدمی که تعقل نکند حرف حق را نمی شنود و حرف حق را نمی گوید و از نظر قرآن این موجودات در واقع کر و لال هستند.

وقتی به قرآن رجوع می کنیم از ما سوال می شود که چرا تعقل نمی کنید؟ و در جاهای مختلف قرآن، تمام امتیازات برای «قوم یعقلون» یعنی کسانی که قوه عقل را به کار می گیرند قرار داده شده است و تمام مذمت را برای «انهم لا یعقلون» کسانی که قوه عقل را به کار نمی گیرند قرار داده است.

با حفظ این مقدمه که باید تعقل کرد، یکی از زمینه های تعقل خود قرآن است. بخشی از آیات هست که اگر تاویل یا تطبیق آن به وجود امام زمان بازنگردد، آیه ابتر است و تحقق خارجی پیدا نخواهد کرد. قرآن کریم مجموعه ای از آیات ذهنی نیست بلکه باید تحقق خارجی پیدا کند. این با تعقل به دست می آید که باید در آیات تعقل کرد.

دو کتاب امام زمان را در سیمای قرآن کریم معرفی می کند، یکی کتاب «سیمای حضرت مهدی در قرآن» و دیگری «سیمای سید هاشم بحرانی و ترجمه سید مهدی حائری قزوینی نشر آفاق است که ۱۳۴ آیه را در این کتاب بررسی کرده و بر استناد روایات تاویل آنها را امام زمان قرار داده است. کتاب دوم «بقیه الله در آیات قرآنی» اثر علی اصغر اکبری است که تاویل ۲۵۷ آیه را امام عصر قرار داده است.

از آیات قرآن در این موضوع من به سه آیه اشاره می کنم.

آیه اول در سوره مبارکه توبه آیه ۳۳ است. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» این آیه با همین الفاظ در سوره صف آیه ۹ نیز آمده است. یعنی دو بار این آیه در قرآن تکرار شده است. با کمی تفاوت و تغییر در الفاظ در سوره مبارکه فتح آیه ۲۸ آمده است.

آیه می گوید اوست کسی که پیامبر خود را همراه با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر هر آنچه دین است پیروز گرداند، اگرچه مشرکان از این مطلب ناخشنود باشند.

آیه از یک رویداد بسیار مهم خبر می دهد و آن وحدت در ادیان است. همه ادیان مندرک می شوند و مقهور دین حق اسلام می شوند. یعنی روزی می شود که آن روز دین همه مردم دین حق است و پیامبر صاحب آن است.

مسلم تمام پیروزی های پیامبر و مسلمین در زمان صدر اسلام، منطقه ای بوده است و حتی بعد از پیامبر اسلام اگر پیروزهایی برای مسلمین اتفاق افتاده منطقه اس و مقطعی بوده است. در یک دوره ای اسلام به قلب اروپا که اندلس باشد رفت اما اسلام در آنجا افول کرد. اما خدا در این آیه می فرماید، دینی باقی می ماند و تفوق بر همه ادیان می یابد.

سوال اینجاست که این امر در چه زمانی رخ می دهد؟ با تعقل در تاریخ و با بکارگیری انصاف در محکمه وجدان به وضوح می یابیم که این مقطع فرانسیده است. چون تفوق اسلام بر ادیان یعنی نبودن یهود و نصاری و نبودن هیچ دین دیگری.

برای اینکه جواب سوال را به دست بیاوریم باید در روایات تعمق کنیم. تعمق ما در روایات ما را به این نتیجه خواهد رساند که یک مقطعی فراخواهد رسید که شخصیت عالی مقامی مانند حضرت ولی عصر این دین را جهانی خواهد کرد. حالا اگر کسی سوال کند که از قرآن سخن بگویند و چرا قرآن را به روایات ملصق می کنید باید پاسخ داد من اگر روایت می خوانم دلیل این است که می خواهم به قرآن عمل کنم. چون می خواهم به قرآن عمل کنم روایت می خوانم. یعنی به کارگیری روایت در روشن شدن آیات دستور خود قرآن است.

سوره نحل آیه ۴۴ به پیامبر ماموریت می دهد؛ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛ ما قرآن را به تو نازل کردیم تا تو آن را تبیین کنی. یکی از روایاتی که پیامبر برای ما خوانده است این است که؛ إِنَّ تَارِكَ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي؛ لذا اینجا عترت به واسطه خود آیه قرآن حجیت پیدا می کند. آن هم پیامبری که؛ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى؛ است و هر چه می گوید وحی است. همه فرمایشات او نه فقط قرآن، هر آنچه در جنبه فردی و اجتماعی می گوید، در جزئی ترین و کلی ترین مسائل همه اش وحی است.

بنابراین به واسطه استناد به روایات و قرآن که فرمود؛ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ به استناد آیات قرآن مراد از اولی الامر شخصیت معصوم است و معصوم جز ۱۴ نیستند.

لذا اگر در تبیین آیه؛ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ می خواهیم روایت بخوایم دلیلش استناد به قرآن یعنی آیه ۴۴ سوره نحل است.

ما می گوئیم تاویل آیه ۳۳ توبه امام عصر است اما مراد از تاویل چیست؟

تاویل یعنی تحقق عینی و وجود خارجی آن آیه. جناب یوسف به پدرش عرض کرد؛ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ؛ من در عالم رویا دیدم ۱۱ ستاره و ماه و خورشید در مقابل من سجده کردند. وقتی چهل سال از قضایا می گذرد و فراز و نشیبی که در زندگی یوسف پیش می آید در معان وقتی خاندان جناب یوسف از کنعان به مصر می آیند و همه در مقابل یوسف کرنش و تواضع می کنند در همین سوره مبارکه یوسف می فرماید؛ وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ؛ پس وقتی می گوئیم تاویل، یعنی وجود خارجی آن حقیقتی که بیان شده است.

حالا تاویل آیه ابتدایی که خواندیم یعنی آیه ۳۳ سوره توبه چیست؟

از امام صادق در مورد تاویل این آیه سوال شد و حضرت فرمود؛ وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ وَ لَا يَنْزَلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنٍ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسِرْنِي وَ أَقْتَلَهُ؛ یعنی به خدا سوگند که هنوز تاویل این آیه نازل نشده است. و نازل نخواهد شد تا آن shy؛ که قائم علیه السلام قیام کند. پس هرگاه که قائم قیام کند، کافر به خدای بزرگ و مشرک به امام علیه shy؛ السلام باقی نمی ماند، مگر این shy؛ که قیام او را ناخوش دارد، تا آن shy؛ که اگر کافر یا مشرکی در دل صخره پنهان شده باشد آن صخره ندابرمی shy؛ آورد که: ای مؤمن اندرون من کافری است. مرا خرد کن و آن کافر را به قتل برسان. به این می گویند تفوق جهانی.

حالا اگر کسی سوال کنند چگونه می شود که سنگ سخن بگوید قرآن پاسخ می دهد. مجرمین در روز قیامت به پوست بدنشان می گویند چه شد که شما بر علیه ما شهادت دادید؟ گفتند؛ أَنْطَقَنَا اللَّهُ؛ خدا ما را به نطق آورد.؛ يحدث الارض اخبارها؛ خدا زمین را هم به گفتار وا می دارد. قدرت خدا را دست کم نگیریم. چیزی که ما نمی شناسیم به این معنا نیست که تحقق پیدا نمی کند. اگر ما بگوئیم تحقق پیدا نمی کند قدرت خدا را نادیده گرفته ایم. خدا می تواند صخره ای به سخن بیاورد.

در ذیل این آیه ابن عباس از پیامبر نقل می کند که در درالمنصور سیوطی آمده لا یكون ذلك حتى لا یبقی یهودی و لا نصرانی و لا صاحب ملة الا دخل فی الإسلام حتی یامن الشاة و الذب و البقرة و الأسد و الحیة و حتی لا تقرض فارة جراباً و حتی توضع الحزبة و یكسر الصلیب و یقتل الخنزیر و ذلك قوله: لیظهره علی الدین كله ... و ذلك یكون عند قیام القائم. یعنی دین اسلام فراگیر نخواهد شد تا آنکه تمام یهودیان و مسیحیان و دیگر ادیان مسلمان شوند. تا آنجا که گرگ و گوسفند و گاو و شیر و مار به امنیت در کنار یکدیگر بسر برند. امنیت به آنجا می رسد که دیگر موشها کاری به غله ها و انبارها ندارند! جزیه و مالیاتی که در حکومت اسلام از اهل کتاب گرفته می شود از میان می رود و صلیب و نشانهء تثلیث، شرک و سه و گانه پرستی مسیحیان و شکنند و خوک و علامت مخالفت باحکم خدا و کشته می گردد. این است معنای سخن خدا که می فرماید: تا آنکه اسلام را بر همهء ادیان پیروز گرداند؛ و اینها همه به هنگام قیام حضرت مهدی (ع) بوقوع می پیوندد.